



شنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۹۰۶۱

irannewsppaper

irannewsppaper



نعمت‌الله فاضلی جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «ایران»
مواجهه مردم با جنگ تحمیلی را ارزیابی کرد

نمایش با شکوه قدرت نرم ایرانیان

گفت و گو

گروه سیاسی / رضوانه رضایی پور - مواجهه مردم ایران در مقابل تجاوز ۴۰ روزه آمریکایی- صهیونی به کشور از منظر جامعه‌شناسی چه ویژگی‌ها و برجستگی‌هایی داشت؟ نعمت‌الله فاضلی، جامعه‌شناس و استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در گفت‌وگوی خود با «ایران»، به واکاوی این پرسش پرداخت و با اشاره به تقویت انسجام اجتماعی و پاک‌بخت هزاران مهاجر به کشور در شرایط جنگی، آنها را به عنوان نشانه‌هایی از «ویرانی مولد» یاد کرد که می‌تواند مبدأ تحولاتی جدید در تاریخ ایران باشد. فاضلی با تشریح مفهوم «قدرت نرم» در تقابل با قدرت سخت‌نظامی دشمن، ابعاد پنهان مقاومت مدنی و فرهنگی در برابر تجاوز اخیر را واگویی کرده و از «خودباوری ملی بازسازی‌شده» به عنوان مهم‌ترین دستاورد ناملوس این نبرسد یاد کرد.

آقای دکتر از ارزیابی‌ها و تحلیل‌های مختلفی در یکی دو ماه گذشته درباره کیفیت نقش آفرینی اصلاص مختلف دفاع ملی ایران علیه تجاوز نظامی مطرح شده است. شما به عنوان یک جامعه‌شناس مواجهه مردم با جنگ را چگونه دیدید؟ از نظر شما مردم واقعیت جنگ را چگونه تجربه کردند؟ و این مواجهه بیاترنگ چه نکات قابل تأملی برای تحلیل‌های جدید است؟

جنگ، جامعه‌ها را به تکاپو وامی‌دارد. در این تکاپو، هم افراد، هم گروه‌ها و هم نهادهای برای تأمین نیازهای خود یا حتی صرفاً برای بقا، ناگزیرند که به هر شکل ممکن خلاقیت‌ها و قابلیت‌ها و توانایی‌های مادی و معنوی خویش را بسیج کنند تا بتوانند در وضعیت بحرانی‌ای که جنگ به زندگی انسان‌ها تحمیل می‌کند، شانس بیشتری برای ماندن داشته باشند. از این رو، جنگ - فارغ از اینکه افراد با آن موافق باشند یا مخالف و مستقل از هر نوع جهت‌گیری سیاسی - انسان‌ها را ناگزیر می‌کند که واقعیت آن را تجربه کنند؛ زیرا هیچ چیز به اندازه جنگ و مرگ، واقعی نیست. مرگ چیزی نیست که انسان بتواند آن را باستاند یا مخالف و مستقل از هر نوع جهت‌گیری سیاسی - انسان‌ها را ناگزیر می‌کند که واقعیت آن را تجربه کند؛ زیرا هیچ چیز به اندازه جنگ و مرگ، واقعی نیست. مرگ چیزی نیست که انسان بتواند آن را انکار کند. شاید بتوان درباره بسیاری از مفاهیم تردید داشت، اما وقتی پای مرگ به میان می‌آید، واقعیت با تمام سنگینی‌اش بر انسان فرود می‌آید. جنگ نیز چنین است؛ وضعیت‌ی که جامعه را ناچار می‌کند با واقعیت‌های عبریان زندگی مقابله کند.

از همین رو نباید تصور کنیم که جامعه یا افراد، واقعیت جنگ را نمی‌شناسند یا از پذیرش آن سرباز می‌زنند. با این حال، افراد جامعه به یک اندازه «واقعی بودن» جنگ را تجربه نمی‌کنند و حتی بسیاری در آغاز حاضر نیستند این واقعیت را بپذیرند.

این نپذیرفتن، خود بخشی از سازوکار ذهن انسان برای مقاومت و تاب‌آوری در برابر بحران‌هایی است که جنگ پدید می‌آورد. مشابه این وضعیت را در بیماری نیز می‌بینیم؛ کم نیستند کسانی که بیمارند اما تمایلی به مراجعه به پزشک برای معاینه تا درمان ندارند. گاهی زمان زیادی طول می‌کشد تا انسان بپذیرد بدنش دچار اختلال شده و نیازمند درمان است. اما سازمان، وقتی بیماری از حدی بالاتر برود، همه ناچار به مراجعه به پزشک می‌شوند. جنگ نیز همین‌گونه است. در حیات اجتماعی، هنگامی که دامنه جنگ گسترده می‌شود، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی پدید می‌آورد. برای عده‌ای که مستقیماً درگیر آن هستند، ممکن است به معنای از دست دادن عزیزان، نابودی شغل یا ویرانی خانه و کاشانه در نتیجه بمباران و تجاوز دشمن نباشد. در آن نقطه است که جنگ دیگر انگارشدنی نیست و واقعیت‌ها خود را تحمیل می‌کند. کسی که خانه‌اش زیر آوار مانده، دیگر نمی‌تواند بگوید جنگ فقط یک سرباز سیاسی است. کسی که زیرش را از دست داده، جنگ را نه در تحلیل‌های رسانه‌ای بلکه در عمق وجودش لمس می‌کند. این نکات را از آن جهت مطرح می‌کنم که وقتی به فضای جامعه نگاه می‌کنیم، این گرایش‌ها و تمایلات را در اشکال گوناگون می‌بینیم؛ گروه‌هایی که مستقیماً درگیر جنگ شده‌اند، خانه از دست داده‌اند، شغلشان آسیب دیده یا عزیززی از بین‌شان رفته و نیز کسانی که در جایگاه نیروهای نظامی، مسئولیت دفاع از میهن را بر عهده دارند، همه به‌گونه‌ای مستقیماً یا غیرمستقیماً، با جنگ روبه‌رو می‌شوند. ما نیازمند آن هستیم که واقعیت جنگ را به رسمیت بشناسیم. این، آغاز لحظه‌ای است که ذهن جامعه‌شناسی جامعه شروع به فعالیت می‌کند؛ لحظه‌ای که جامعه می‌پذیرد وارد وضعیت‌ی استثنایی شده است. این وضعیت، شبیه انسانی است که نتیجه آزمایش خود را دریافت می‌کند و درمی‌یابد دچار بیماری شده است. بدین ترتیب از همان لحظه، سبک زندگی‌اش تغییر می‌کند؛ رژیم غذایی تازه، مراجعه به متخصص، جراحی یا درمان‌های دشوار را آغاز می‌کند. ذهن جامعه نیز وقتی واقعیت جنگ را بپذیرد، باید خود را برای «جراحی اجتماعی» آماده کند؛ برای ورود به موقعیتی استثنایی که در آن، زندگی روزمره، فعالیت شغلی، شیوه‌های مصرف، روابط اجتماعی، نوع سخن گفتن، پیوندهای انسانی و بسیاری از امور ریزو درشت دیگر دگرگون می‌شوند.



جنگ، فقط در میدان نظامی تعریف نمی‌شود. همان‌قدر که میدان درگیری‌های خشن‌تبار است، عرصه درگیری‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز هست. اگر جنگ را صرفاً ویرانی ببینیم، تنها ویرانی نصیب ما خواهد شد؛ اما اگر آن را «ویرانی مولد» بفهمیم، می‌توانیم از دل آن مسیر ساختن را آغاز کنیم. آرنولد توین بی، مورخ مشهور، پس از مطالعه تمدن‌های مختلف به این نتیجه رسید که بسیاری از بزرگ‌ترین خلاقیت‌ها و فواید انسانی در لحظات بحرانی و فاجعه‌بار تاریخ پدید آمده‌اند؛ در زمان زلزله، سیل، آتش‌سوزی یا جنگ. در تاریخ ایران نیز همین‌را می‌بینیم.

شهرهایی چون تبریز، شیراز، اصفهان و بسیاری دیگر بارها در اثر جنگ یا بلایای طبیعی ویران شده‌اند، اما هر بار مردم آنها را دوباره و حتی بهتر از گذشته ساختند. تبریز، شهری که بارها در طول تاریخ در نتیجه زلزله و تهاجم ناپودر شد، امروز یکی از مهم‌ترین شهرهای فرهنگی و اقتصادی ایران است. شیراز نیز در دوره‌های مختلف تاریخی آسیب‌های فراوانی دید، اما امروز به‌عنوان نماد فرهنگ، شعر و زیبایی شناخته می‌شود. اصفهان، مشهد و بسیاری دیگر از شهرهای ایران نیز تجربه‌های مشابهی داشته‌اند. این تاریخ طولانی به ما نشان می‌دهد که جامعه ایرانی، جامعه‌ای است که همواره توانسته از دل ویرانی، امکان تازه‌ای برای ساختن خلق کند. بنابراین، یکی از راه‌های بنیادی برای تاب‌آوری در جنگ، شناخت واقع‌بینانه آن است. سخن گفتن از ظرفیت‌های مولد جنگ، به معنای استقبال از جنگ نیست؛ بلکه به این معناست که اگر جنگ رخ داد، درنگ‌نکردیم تا آن را به فضایی برای بقا، بهبود و بالندگی تبدیل کنیم. در این میان، گروه‌های مختلف جامعه واکنش‌های یکسانی ندارند. برخی دچار انکار می‌شوند، برخی به اضطراب فرو می‌روند و برخی دیگر تلاش می‌کنند معنایی تازه برای زندگی پیدا کنند. آنچه اهمیت دارد، «مواجهه خلاق» با جنگ است؛ مواجهه‌ای که هم واقعیت جنگ را می‌پذیرد و هم آن را به فرصتی برای تقویت جامعه تبدیل می‌کند.

نمونه‌هایی از این دست فرصت‌هایی که می‌تواند به تقویت جامعه کمک کند، ناظر بر جنگ تحمیلی اخیر علیه ایران را توضیح دهید. یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌هایی که جنگ اخیر برای جامعه ایران ایجاد کرده، نوعی خودباوری ملی است. در دو قرن گذشته، ایران بارها در جنگ‌ها شکست خورده و جنگ‌هایی از سرزمین خود را از دست داده بود. از عهدنامه گلستان و ترکمنچای گرفته تا تجربه جنگ‌های جهانی، حافظه تاریخی ایرانیان آکنده از احساس شکست و تحقیر بود. این شکست‌ها، اعتماد بنفوس و غرور ملی ایرانیان را خدشه‌دار کرده بود.

اما در جنگ اخیر، ایران در برابر یکی از مجهزترین ارتش‌های جهان ایستاد و مقاومت کرد. این مقاومت، اگر استمرار یابد، می‌تواند لحظه‌ای تاریخی برای بازسازی اعتمادبه‌نفس ملی ایرانیان باشد. جامعه ایران، در دل بحران، بار دیگر توانست خود را به عنوان جامعه‌ای مقاوم، دارای ظرفیت و برخوردار از توان ایستادگی بازتعریف کند.

این جنگ، چشم‌انداز تازه‌ای از سرزمین ایران، فرهنگ ایران، تاریخ ایران و ظرفیت‌های ژئوپلیکی و انسانی برای ما ایجاد کرده است. همچنین، جنگ نشان داد که فقط بدن‌ها و سرزمین‌ها نیستند که درگیر می‌شوند؛ بلکه زبان، ادبیات، آیین‌ها، باورها، رویاها و همه عناصر جهان آشنایی نیز وارد میدان نبرد می‌شوند. در جنگ

اخیر، جامعه ایران از مجموعه‌ای از «فناوری‌های ناملوس» بهره برد؛ فناوری‌هایی فرهنگی، اجتماعی، آیینی و معنوی که نقشی تعیین‌کننده در تاب‌آوری جامعه داشتند. این فناوری‌ها، اگرچه دیده نمی‌شوند، اما قدرت آنها گاه از پیشرفته‌ترین سلاح‌ها نیز بیشتر است. این مثال، همزمانی جنگ با ماه رمضان، این ماه را به بستری برای همدلی و انسجام اجتماعی تبدیل کرد. رمضان صرفاً یک آیین دینی نبود؛ بلکه به یک فضای مشترک عاطفی و اخلاقی تبدیل شد که میلیون‌ها انسان را در کنار هم قرار داد. حتی

کسانی که چندان پایبند به مناسک دینی نبودند نیز در فضای عمومی ناشی از رمضان، بخشی از این همبستگی جمعی شدند.

در کنار رمضان، نوروز نیز به‌عنوان یک فناوری فرهنگی چند هزار ساله عمل کرد. جامعه ایران، در دل بحران و تهدید، همچنان نوروز را برگزار کرد، به دیدار یکدیگر رفتند، شادی کرده و پیوندهای اجتماعی را حفظ کردند. این مساله، از منظر جامعه‌شناختی، بسیار معنادار است. زیرا جامعه‌ای که بتواند در دل بحران همچنان آیین‌های زندگی را حفظ کند، در واقع در حال مقاومت فرهنگی در برابر مرگ و ویرانی است. اگر کسی از بیرون به جامعه ایران نگاه می‌کرد، شاید با شگفتی می‌دید، که شرایطی که تهدید جنگ و بمباران وجود دارد، مردم همچنان در خیابان‌ها حضور دارند، نوروز را تبریک می‌گویند، خرید می‌کنند و تلاش دارند زندگی را ادامه دهند. این همان نیروی پنهان فرهنگ است؛ نیرویی که از هزاران سال تجربه تاریخی تغذیه می‌کند.

در مواجهه ایرانیان با پدیده جنگ، مفهوم ایران هم‌برجستگی مشهودی پیدا کرد تا جایی که به نواهای مذهبی و مداحی در میدان و تجمعات هم‌راه یافت. این برجسته‌شدن را چگونه باید ارزیابی کرد؟ حاوی چه پیام‌ها و نکات قابل تأملی است؟

بله، همین‌طور است و شاید مهم‌ترین فناوری ناملوس این جنگ، خود «ایران» بود. واژه ایران، به یکباره همه ایرانیان را - در هر جای جهان - به هم متصل کرد. حمله به سرزمین ایران، باعث شد نام ایران دوباره در دل‌ها زنده شود. مردم دوباره به تاریخ، قهرمانان و حافظه جمعی خود رجوع کردند. واژه ایران، از یک مفهوم عادی به نیرویی عظیم برای همبستگی تبدیل شد.

در این جنگ، مردم فقط همسایه یا خویشاوند نبودند؛ آنها «ایرانی» بودند. ایران، به یک فناوری بزرگ اجتماعی و عاطفی تبدیل شد که توانست انسان‌ها را گرد هم بیاورد. همین امر بود که بسیاری از تحلیلگران خارجی را به این نتیجه رساند که جنگ‌یدن با ایران، کاری بسیار دشوار است.

نام ایران، در این روزها، فقط یک نام جغرافیایی نبود. این واژه، حامل هزاران سال تاریخ، اسطوره، شعر، فرهنگ و خاطره جمعی بود. مردم با نشاندن نام ایران، کوروش، فردوسی، آریوبرزن، سورنا و تمام حافظه تاریخی خود را به یاد آوردند. کوبی جنگ، لایه‌های پنهان هویت ایرانی را دوباره فعال کرد. یکی دیگر از پدیده‌های مهم این جنگ، حضور مردم در شب‌های شهر بود؛ مردی که بدون سلاح و آموزش نظامی، خیابان‌ها را به میدان مقاومت تبدیل کردند. شاید هیچ زمان نویسی در دهه‌های گذشته نمی‌توانست چنین صحنه‌ای را تصور کند. مردمی که شب‌ها گرد هم می‌آیند تا از سرزمین، خانه، زندگی و هویت خود دفاع کنند. این حضور مردمی، صرفاً یک حرکت احساسی نبود؛ بلکه نوعی بازتعریف مفهوم «شهر» و «میدان عمومی» بود. شهر دیگر فقط محل زندگی روزمره نبود، بلکه به فضایی برای همبستگی و مقاومت تبدیل شد. مردم، با حضور خود، به یکدیگر امید داده و احساس تنهایی را کاهش می‌دادند. در این میان، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز نقشی مهم ایفا کردند. تصاویر، روایت‌ها و پیام‌هایی که در فضای مجازی منتشر می‌شد، بخشی از همان قدرت نرم جامعه ایران بود. جامعه، از طریق زبان، تصویر و روایت، تلاش می‌کرد معنایی برای رنج و مقاومت خود بسازد. در نهایت، جنگ را بار دیگر نشان داد که برخلاف بسیاری از نظریه‌های معاصر درباره «مرگ انسان»، انسان هنوز زنده است. در روزگاری که گفته می‌شود ماشین‌ها، هوش مصنوعی و فناوری جای انسان را گرفته‌اند، مردم ایران نشان دادند می‌توانند در برابر بزرگ‌ترین ماشین‌های جنگی جهان بایستند. سال‌هاست نظریه‌پردازان اجتماعی از پایان انسان سخن می‌گویند. از زمانی که انقلاب صنعتی آغاز شد، این تصور شکل گرفت که ماشین‌ها جای دست و پای انسان را خواهند گرفت. بعدها نیز همین‌طور شد که فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی جای ذهن و فز انسان را خواهند گرفت. اما جنگ اخیر که نشان داد که انسان جزیری در فضا وجود دارد که هیچ ماشینی قادر به جایگزینی آن نیست؛ چیزی به نام اراده انسانی. انسان‌هایی که در شب‌های جنگ، زیر پل‌ها، در نیروگاه‌ها، در خیابان‌ها و در میدان‌های شهر ایستادند، نشان دادند که جامعه انسانی هنوز ظرفیت خلق معنا، ایستادگی و مقاومت دارد. این، شاید یکی از مهم‌ترین درس‌های این جنگ باشد.

به‌نظرم می‌شود در جمع بندی توضیحات شما این راهم گرفت که مواجهه با جنگ به صورت تاثیر گذار صرفاً محدود به حوزه نظامی نبوددر در حقیقت مادر کنار قدرت سخت، شاهد نوعی عرض اندام قدرت نرم هم بودیم.

بله، این سخن درست است. جوف فضای، نظریه‌پرداز علوم سیاسی مطرح ساختند. این سخن تنها یک توصیه اصلی نبود، بلکه نقشه راهی برای ساختن جامعه‌ای متحد و قدرتمند به شمار می‌رفت. امام معتقد بودند که همه مردم، فارغ از قومیت، زبان، منطقه سیاسی و سلسله یهودی - جایگاه اجتماعی، اعضای یک پیکره واحد هستند و باید در مسیر تحقق منافع ملی و آرمان‌های خود در کنار یکدیگر حرکت کنند. از این منظر، اختلاف‌نظرها نباید به شکاف‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل شود، بلکه باید در چارچوب منافع ملی و احترام متقابل مدیریت شود. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های وحدت در اندیشه امام، همگرایی میان نخبگان و اقشار اثرگذار جامعه بود. ایشان بر وحدت حوزه و دانشگاه تأکید ویژه داشتند و معتقد بودند که پیشرفت کشور در گرو همکاری و هم‌افزایی مراکز علمی، فرهنگی و فکری است. از نگاه امام، هرگونه تقابل میان صاحبان اندیشه و دانش، زمینه‌ساز عقب‌ماندگی و تضعیف جامعه خواهد بود. امام خمینی (ره) همچنین بر وحدت دولت و ملت به عنوان یکی از ارکان ثبات کشور تأکید داشتند. ایشان همواره مسئولان را به خدمت صادقانه به مردم و راه حمایت از مسیر پیشرفت کشور عوت می‌کردند. در این نگاه، دولت و ملت دو بخش جدا از هم نیستند، بلکه دو بازوی مکمل برای تحقق اهداف ملی

بود، بلکه باید در چارچوب منافع ملی و احترام متقابل مدیریت شود. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های وحدت در اندیشه امام، همگرایی میان نخبگان و اقشار اثرگذار جامعه بود. ایشان بر وحدت حوزه و دانشگاه تأکید ویژه داشتند و معتقد بودند که پیشرفت کشور در گرو همکاری و هم‌افزایی مراکز علمی، فرهنگی و فکری است. از نگاه امام، هرگونه تقابل میان صاحبان اندیشه و دانش، زمینه‌ساز عقب‌ماندگی و تضعیف جامعه خواهد بود. امام خمینی (ره) همچنین بر وحدت دولت و ملت به عنوان یکی از ارکان ثبات کشور تأکید داشتند. ایشان همواره مسئولان را به خدمت صادقانه به مردم و راه حمایت از مسیر پیشرفت کشور عوت می‌کردند. در این نگاه، دولت و ملت دو بخش جدا از هم نیستند، بلکه دو بازوی مکمل برای تحقق اهداف ملی

بود، بلکه باید در چارچوب منافع ملی و احترام متقابل مدیریت شود. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های وحدت در اندیشه امام، همگرایی میان نخبگان و اقشار اثرگذار جامعه بود. ایشان بر وحدت حوزه و دانشگاه تأکید ویژه داشتند و معتقد بودند که پیشرفت کشور در گرو همکاری و هم‌افزایی مراکز علمی، فرهنگی و فکری است. از نگاه امام، هرگونه تقابل میان صاحبان اندیشه و دانش، زمینه‌ساز عقب‌ماندگی و تضعیف جامعه خواهد بود. امام خمینی (ره) همچنین بر وحدت دولت و ملت به عنوان یکی از ارکان ثبات کشور تأکید داشتند. ایشان همواره مسئولان را به خدمت صادقانه به مردم و راه حمایت از مسیر پیشرفت کشور عوت می‌کردند. در این نگاه، دولت و ملت دو بخش جدا از هم نیستند، بلکه دو بازوی مکمل برای تحقق اهداف ملی

بود، بلکه باید در چارچوب منافع ملی و احترام متقابل مدیریت شود. یکی از مهم‌ترین الزامات پیشرفت و اقتدار کشور است؛ راهبردی که امام خمینی (ره) آن را نه یک تاکتیک مقطعی، بلکه ضروری دائمی برای حفظ استقلال، امنیت و عزت ایران اسلامی می‌دانستند.

سیاسی

اخبار

پیام‌های تسلیت

در پی درگذشت آیت‌الله محمد اسحاق فیاض

در پی درگذشت آیت‌الله محمد اسحاق فیاض از مراجع عظام تقلید شیعیان در حوزه علمیه نجف، مراجع تقلید در عراق و ایران، رئیس جمهوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، وزارت امور خارجه و... در پیام‌هایی جداگانه، درگذشت این مرجع عالیقدر شیعه را تسلیت گفتند. در بخشی از پیام تسلیت رئیس جمهوری آمده است: «منش علمی و اعتدالی، اخلاص، تقوا و اهتمام ایشان به وحدت امت اسلامی و خدمت به مردم، سرمایه‌ای ارزشمند و ماندگار برای جهان اسلام است و نام و یاد آن فقیه برجسته در تاریخ فقاوت و مرجعیت شیعه ماندگار خواهد ماند.»

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی هم در بخشی از پیام خود در این باره تأکید کرد: «بی تردید، فقدان آن مرجع وارسته ضایعه‌ای بزرگ برای حوزه‌های علمیه، مقلدان، شاگردان آن فقیه فقید و عموم مسلمانان است. آثار علمی، منش اخلاقی و رویکرد حکیمانه ایشان در دعوت به همدلی و حفظ انسجام امت اسلامی، سرمایه‌ای ارزشمند برای نسل‌های آینده خواهد بود.»
محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور هم در پیام خود تصریح کرد: «آن فقیه وارسته و عالم ربانی، عمر پربرکت خویش را در راه ترویج معارف اهل بیت علیهم‌السلام، تربیت شاگردان برجسته، پاسداری از ارزش‌های اسلامی و هدایت دینی مؤمنان سپری کرد و بیا زهد، تقوا، دانش گسترده و مواضع حکیمانه خود، منشأ خدمات ماندگار و آثار ارزشمند علمی و اجتماعی برای جهان اسلام و حوزه‌های علمیه بود.» آیت‌الله محمد اسحاق فیاض، یکی از سه مرجع تقلید شیعیان در نجف اشرف، روز پنجشنبه هفته گذشته در ۹۶ سالگی، در یکی از بیمارستان‌های بغداد دار فانی را وداع گفت. آیت‌الله فیاض در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی در روستای صوبه از توابع استان غرزی واقع در جنوب کابل، پایتخت افغانستان به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۶ برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس سفر کرد و در مدرسه حاج حسن مشغول به تحصیل شد. پس از گذشت یک سال برای ادامه تحصیلات حوزوی و فراگیری علوم دینی، عازم حوزه علمیه نجف اشرف شد. پس از اتمام سطح عالی حوزه، در آغاز ۲۰ سالگی به جلاس درس خارج تپی چند از علما و استاد برجسته حوزه علمیه نجف وارد شد. پس از گذشت چند ماه سرانجام حلقه مدت یازده سال از محضرشان بهره‌مند شد.

دومین نماز جمعه سال ۱۴۰۵

در حرم مطهر امام خمینی (ره) برگزار شد

به گزارش آستان، نماز عبادی، سیاسی جمعه تهران در حرم مطهر امام خمینی (ره) و در فضای معنوی ایام چهارم و یازدهم خرداد، با حضور حسی‌زاده نمازگزاران، زائران و اقشار مختلف مردم برگزار شد. این مراسم به همزمان با سی‌وهفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) و سالروز قیام تاریخی ۱۵ خرداد برگزار شد، به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج‌علی‌اکبری در جوار مرقد مطهر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران اقامه شد. دومین نماز جمعه سال ۱۴۰۵ بود که در حرم مطهر امام خمینی (ره) برگزار شد. نخستین نماز جمعه سال جاری نیز در فروردین‌ماه در این مکان مقدس برگزار شده بود. حضور پرشور نمازگزاران در این آیین عبادی-سیاسی، جلوه‌ای از پاسداشت یاد و نام معمار کبیر انقلاب اسلامی و گرامیداشت قیام سرنوشت‌ساز ۱۵ خرداد بود؛ قیامی که نقطه عطفی در شکل‌گیری نهفت اسلامی و مسیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آید.

دستور رئیس جمهوری

برای پیگیری وضعیت درمان میرحسین موسوی

یکی از نزدیکان خانواده میرحسین موسوی به نقل از خانواده وی در تشریح وضعیت جسمانی میرحسین موسوی به جمران گفت: «آقای موسوی اخیراً دچار سرماخوردگی شده، اما از آنجایی که پیش از این عمل آرتروپلاستی قلب انجام داده بود، برای مراقبت بیشتر در بیمارستان بستری شد.» وی با «خوب» توصیف کردن حال وی، و«خامت حال موسوی را»د کرد. همچنین به گزارش رئیس نیوز، از ظهر دیروز محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت با دستور رئیس جمهوری پزشکان شخصاً مسئولان درمانی مربوط به میرحسین موسوی را دنبال کرده و شرایط وی رو به بهبودی است.

یادداشت

سیدابوالحسن نواب
رئیس سابق دانشگاه ادیان و مذاهب

«همه باهم» را رهبرد همیشگی امام (ره)

وحدت و انسجام ملی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی و اجتماعی امام خمینی (ره) به شمار می‌رود. ایشان از آغاز نهضت اسلامی تا سال‌های پس از پیروزی انقلاب، همواره بر ضرورت همدلی، همبستگی و پرهیز از تفرقه تأکید داشتند و وحدت را رمز پیروزی، تداوم انقلاب و پیشرفت کشور می‌دانستند. در نگاه امام خمینی (ره)، جامعه‌ای که دچار چنددستگی و اختلاف باشد، توانایی مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی را از دست خواهد داد. از همین رو، ایشان بارها بر ضرورت حفظ انسجام میان همه اقشار جامعه تأکید کردند و شعار راهبردی «همه با هم» را به عنوان یکی از پایه‌های اصلی حرکت انقلاب اسلامی مطرح ساختند. این شعار تنها یک توصیه سیاسی نبود، بلکه نقشه راهی برای ساختن جامعه‌ای متحد و قدرتمند به شمار می‌رفت. امام معتقد بودند که همه مردم، فارغ از قومیت، زبان، منطقه سیاسی و سلسله یهودی - جایگاه اجتماعی، اعضای یک پیکره واحد هستند و باید در مسیر تحقق منافع ملی و آرمان‌های خود در کنار یکدیگر حرکت کنند. از این منظر، اختلاف‌نظرها نباید به شکاف‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل شود، بلکه باید در چارچوب منافع ملی و احترام متقابل مدیریت شود. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های وحدت در اندیشه امام، همگرایی میان نخبگان و اقشار اثرگذار جامعه بود. ایشان بر وحدت حوزه و دانشگاه تأکید ویژه داشتند و معتقد بودند که پیشرفت کشور در گرو همکاری و هم‌افزایی مراکز علمی، فرهنگی و فکری است. از نگاه امام، هرگونه تقابل میان صاحبان اندیشه و دانش، زمینه‌ساز عقب‌ماندگی و تضعیف جامعه خواهد بود. امام خمینی (ره) همچنین بر وحدت دولت و ملت به عنوان یکی از ارکان ثبات کشور تأکید داشتند. ایشان همواره مسئولان را به خدمت صادقانه به مردم و راه حمایت از مسیر پیشرفت کشور عوت می‌کردند. در این نگاه، دولت و ملت دو بخش جدا از هم نیستند، بلکه دو بازوی مکمل برای تحقق اهداف ملی

بود، بلکه باید در چارچوب منافع ملی و احترام متقابل مدیریت شود. یکی از مهم‌ترین الزامات پیشرفت و اقتدار کشور است؛ راهبردی که امام خمینی (ره) آن را نه یک تاکتیک مقطعی، بلکه ضروری دائمی برای حفظ استقلال، امنیت و عزت ایران اسلامی می‌دانستند.